



هو الخلاق العليم



بسته حمایت از تولید چرایی و چگونگی



مقدمه

یکی از تاکیداتی که همواره در اسناد بالادستی و سیاست های کلی کشور به چشم می خورد، موضوع رشد اقتصادی و بهبود شرایط اشتغال است که به طور مشخص می تواند از مسیر صنعتی شدن کشور با محوریت بهبود درجات ارزش افزوده، توسعه صادرات، بهبود بهره وری و اشتغال زایی دنبال شود.

اما نگاهی به شرایط توسعه صنعتی کشور طی چند دهه گذشته نشان می دهد که اتکای تولیدات صنعتی بر صنایع منبع محور بوده و انرژی ارزان محور کلیدی توسعه آن ها بوده است. این صنایع در حال حاضر شاکله اصلی ارزش افزوده کشور را با سهم بیش از ۷۰ درصد به خود اختصاص داده اند.

از این رو این سوال مورد توجه قرار می گیرد که آیا قرار است روند توسعه صنعتی کشور بر همین اساس ادامه پیدا کند و یا اینکه لازم است صناعی با ویژگی های ممتاز در خلق ارزش افزوده، توسعه صادرات غیر متکی بر منابع، ایجاد اشتغال و ... توسعه یابند. در این صورت نظام سیاست گذاری کشور تا چه میزان آمادگی ریل گذاری این مسیر را دارد؟



۱- خلا توسعه مزیت های رقابتی در صنایع کشور

در ادبیات اولویت بندی صنایع به طور مشخص ۲ دیدگاه اصلی را می توان مبنای فرآیند انتخاب قرار داد.

۱- **پیروی از مزیت نسبی:** خروجی این فرآیند انتخاب صنایعی مشابه و نزدیک به صنایع کنونی است. طبیعتاً برای کشورهای در حال توسعه ای نظیر ایران، انتخاب صنایع بر اساس مزیت نسبی منجر به توسعه صنایع کاربر با هزینه سرمایه گذاری پایین (بهره گیری از مزیت نیروی کار ارزان) و یا صنایع غیرکاربر با هزینه سرمایه گذاری بالا می شود که وابستگی بالایی به منابع و یارانه انرژی کشور دارند (بهره گیری از مزیت انرژی ارزان).

۲- **سریچی از مزیت نسبی:** پیروی از مزیت نسبی به واسطه تنوع رانت هایی که در اختیار برخی از صنایع قرار می دهد، منجر به توسعه صنایعی می شود که در سطوح پایینی از ارزش افزوده و یا اشتغال در حال فعالیت هستند. در نتیجه موضوع کلیدی توسعه صنعتی که همانا بهبود درجات رقابت پذیری در بازارهای جهانی است با چالش مواجه می شود و صنایع کشور را کاملاً وابسته به مزیت های نسبی و ناتوان از ایجاد مزیت های رقابتی تبدیل می کند.

در ایران یارانه انرژی و مواد خام، تسهیلات ریالی و ارزی اعطا شده در برخی از برهه های زمانی، دیوارهای تعرفه ای و غیره، جملگی شرایطی است که بواسطه سیاست های دولت طی چند دهه گذشته، فضای رقابت میان رشته فعالیت های صنعتی را غیرمنصفانه و سرشار از تبعیض نموده که موجب رشد فزاینده رشته فعالیت های منتفع از این شرایط شده است. بنابراین مقوله «اولویت بندی و انتخاب صنایع هدف» در سطح ملی از ضرورت های سیاست گذاری صنعتی در کشور به شمار می رود و لازم است برخی صنایع منتخب متناسب با توان تاثیرگذاری بر اهداف ترسیم شده مورد حمایت خاص قرار گیرند و منابع و تسهیلات محدود دولت به سمت آن ها گسیل شود.



۱- خلا توسعه مزیت های رقابتی در صنایع

نگاهی به معیارهای انتخاب و اولویت بندی صنایع در کشورهای موفق در امر توسعه صنعتی نیز نشان می دهد که عدم اتکای صرف به مزیت های نسبی یکی از اصول اساسی در گزینش رشته فعالیت های هدف بوده است. جدول زیر مولفه ها و شاخص های انتخاب صنایع هدف در سیاست های صنعتی کشورهای ترکیه و مالزی را نشان می دهد. در سیاست صنعتی ترکیه دو محور «قابلیت های فناورانه» و «ایجاد محیط رقابتی» از جمله معیارهای کلیدی گزینش صنایع است. در سیاست صنعتی کشور مالزی نیز، در کنار صنایع منبع محور، توسعه «صنایع غیرمنبع محور» که می توانند سهم بالایی از ارزش افزوده و اشتغال را به همراه داشته باشند مورد توجه جدی قرار گرفته است.

ترکیه	مالزی
• قابلیت های فناورانه با تمرکز بر ظرفیت های خلاق و نوآور شرکت ها • رقابت با تمرکز بر محیط رقابتی در بازار داخلی و ساختار شرکت ها • تطابق قوانین تجارت با اتحادیه اروپا • رعایت ملاحظات مرتبط با مسائل زیست محیطی • تسهیل تجارت با ایجاد فضای رقابتی عادلانه • ملاحظات توازن منطقه ای با تأکید بر اشتغال زایی • تحولات آتی در بازارهای جهانی	• صنایع غیر منبع محور (الکتریکی و الکترونیک، ابزار پزشکی، نساجی و پوشاک، ماشین آلات و تجهیزات، فلزات و وسایط حمل و نقل) • صنایع منبع محور (شیمیایی، دارو، چوب، لاستیک، صنایع وابسته به روغن پالم و صنایع تبدیلی غذایی) • خدمات غیر دولتی (خدمات حرفه ای و کسب و کار، توزیع، ساخت و ساز، آموزش و مهارت، خدمات پزشکی، خدمات توریسم، خدمات و لجستیک)



۱- خلا توسعه مزیت های رقابتی در صنایع

متأسفانه یکی از نقاط ضعف بسیاری از رشته فعالیت های صنعتی کشور، وابستگی به مزیت های نسبی در عین ناتوانی در ایجاد مزیت های رقابتی است. از این رو در طی سالیان گذشته، این مزیت های نسبی بوده اند که شاکله و ساختار صنعتی کشور را ایجاد کرده اند و کمتر صنعت موفق در کشور می توان یافت که متکی بر ایجاد و توسعه مزیت های رقابتی رشد کرده باشد. از جمله مهمترین مزیت های نسبی کشور می توان موارد ذیل را برشمرد:



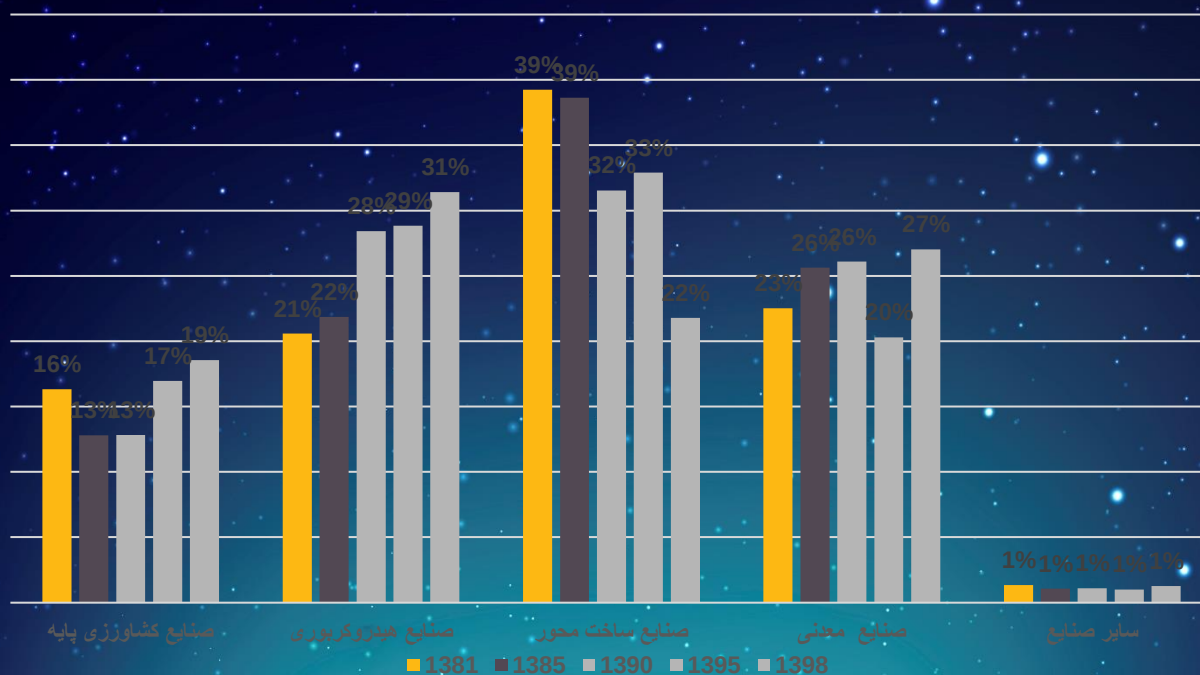


انجمن ایران صنایع
شعبه صنعتیان

۲- ظهور عدم توازن در ساختار صنعتی کشور

مجموعه عواملی که شرح داده شده موجب شده در طول دو دهه گذشته، ساختار صنعتی کشور دچار تحول بنیادینی شود که نتیجه آن رشد هرچه بیشتر صنایع منبع محور و وابسته به منابع تجدیدناپذیر در مقابل کاهش سهم صنایع ساخت محور در عملکرد صنعتی کشور بوده است. همان گونه که در شکل زیر مشاهده می شود، طی دو دهه اخیر سهم صنایع ساخت محور از ارزش افزوده کل صنعت روند نزولی را طی نموده است.

نتیجه این روند افزایش سهم صنایع منبع محور در بالادست زنجیره های ارزش با توان اشتغالزایی و ارزش افزایی کم در مقابل کاهش سهم صنایع ساخت محور در پایین دست زنجیره های ارزش است که توان ارزش افزایی بالایی دارند و می توانند موتور محرک رشد بخش صنعت در توسعه اشتغال و صادرات باشند.



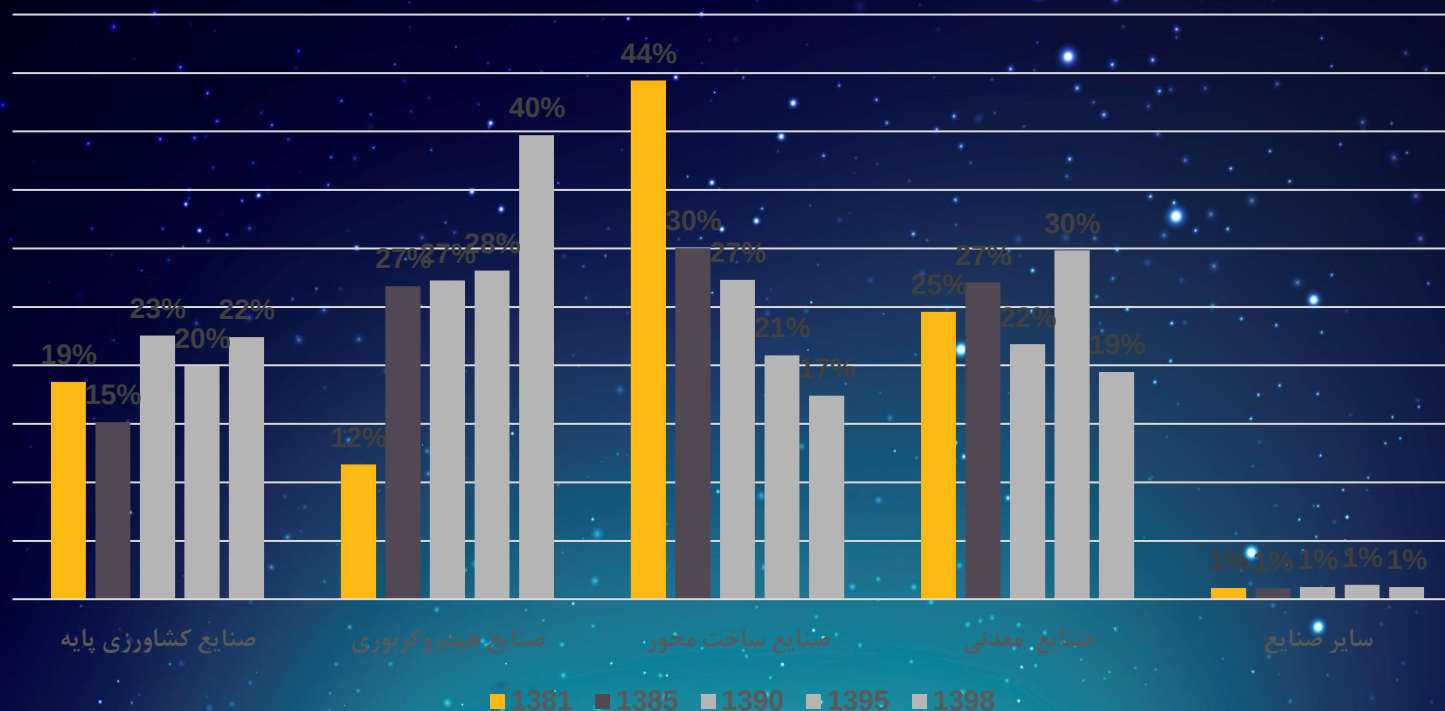
روند سهم صنایع از ارزش افزوده در بخش صنعت در بازه زمانی ۹۸-۱۳۸۱



انجمن ایران صنایع
شعبه صنایع

۲- ظهور عدم توازن در ساختار صنعتی کشور

بررسی روند تشکیل سرمایه ثابت، وضعیت بحرانی تری را نیز برای صنایع ساخت محور نشان می دهد. مطابق شکل زیر به وضوح کاهش سهم گیری صنایع ساخت محور از تشکیل سرمایه ثابت بخش صنعت (از ۴۴٪ به ۱۷٪) در مقابل رشد شتابان صنایع هیدروکربوری (از ۱۲٪ به ۴۰٪) طی سال های ۹۸-۱۳۸۱ مشاهده می شود. نتیجه این روند افزایش سهم صنایع منبع محور در بالادست زنجیره های ارزش با توان اشتغالزایی و ارزش افزایی کم در مقابل کاهش سهم صنایع ساخت محور در پایین دست زنجیره های ارزش است که توان ارزش افزایی بالایی دارند و می توانند موتور محرک رشد بخش صنعت در توسعه اشتغال و صادرات باشند.



روند سهم صنایع از تشکیل سرمایه ثابت در بخش صنعت در بازه زمانی ۹۸-۱۳۸۱

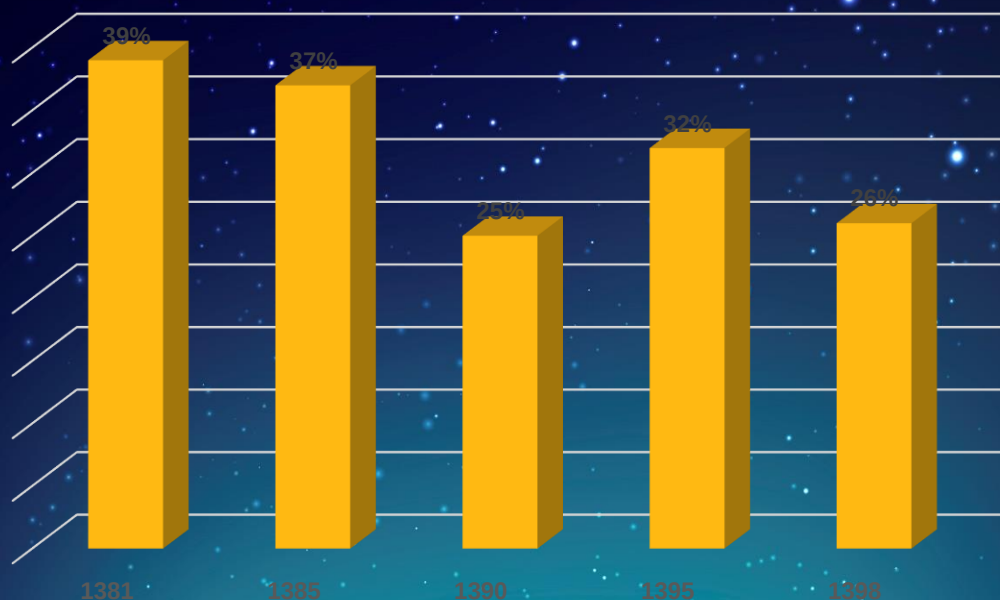


3- آثار و پیامدها



۳- آثار و پیامدها

۳-۱- کاهش توان ارزش افزایی بخش صنعت و در نتیجه کاهش عملکرد این بخش در اقتصاد ملی؛ همان گونه که در نمودار مشاهده می شود، توان ارزش افزایی صنعت طی دو دهه گذشته کاهش محسوسی داشته و از رقم ۳۹ درصد به رقم ۲۶ درصد رسیده است.

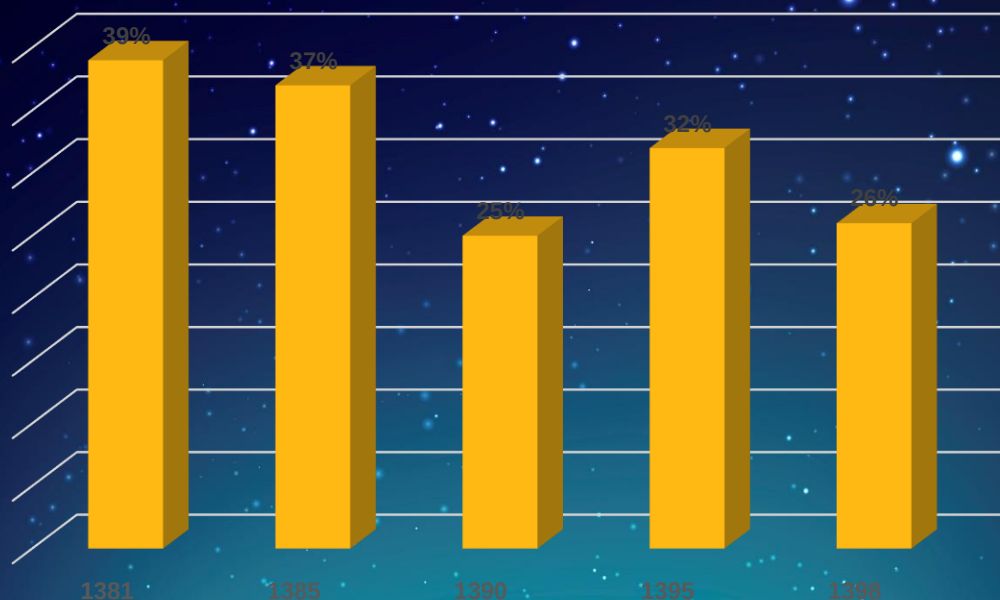


سری زمانی توان ارزش افزایی بخش صنعت طی بازه زمانی ۹۸-۱۳۸۱



۳- آثار و پیامدها

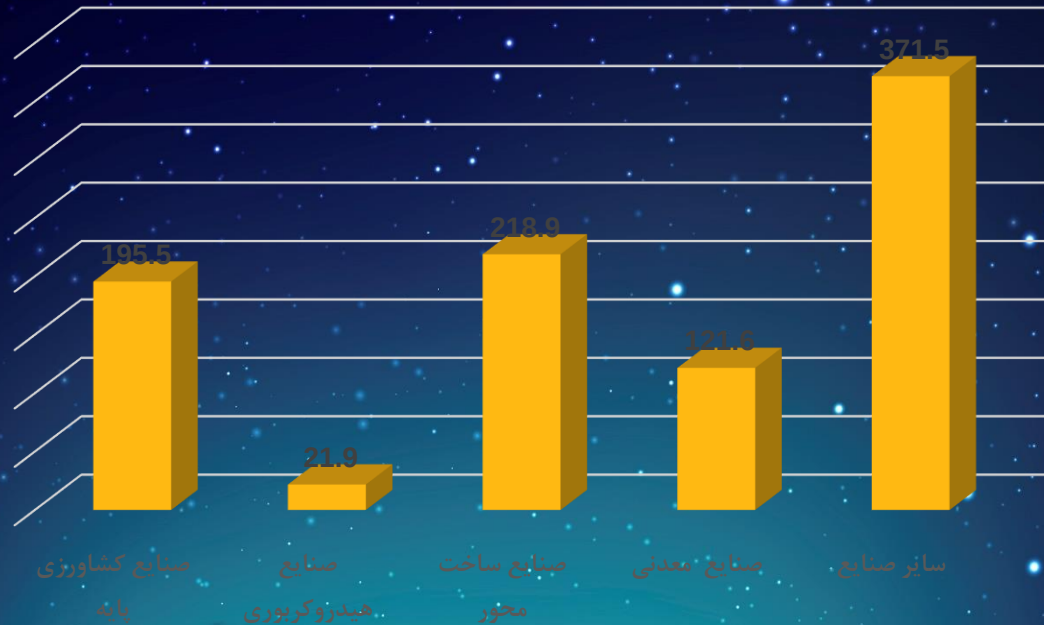
۳-۲- در صورت عدم برنامه ریزی برای تولید صیانتی، پایداری برنامه های توسعه صنعتی با اتکا به صنایع منبع محور با چالش مواجه خواهد شد (بواسطه محدودیت در منابع و انرژی)، که امروز برخی از پیامدهای آن در عدم تامین انرژی و خوراک مورد نیاز این دسته از صنایع در برخی از برهه های زمانی مشاهده می شود.



سری زمانی توان ارزش افزایی بخش صنعت طی بازه زمانی ۹۸-۱۳۸۱

۳- آثار و پیامدها

۳-۳- از آنجاکه توان اشتغال‌زایی در صنایع منبع‌محور پایین است، بنابراین به-سادگی نمی‌توان سازگاری میان اهداف درآمدزایی صادراتی و اشتغال‌زایی برای این صنایع برقرار کرد. مطابق با نمودار، در حالی که صنایع هیدروکربوری متوسط اشتغال ۲۱.۹ نفر به ازای هزار میلیارد ریال ارزش تولید داشته اند، صنایع ساخت محور توانسته اند در همین بازه فروش، اشتغال ۲۱۸.۹ نفری را رقم بزنند.

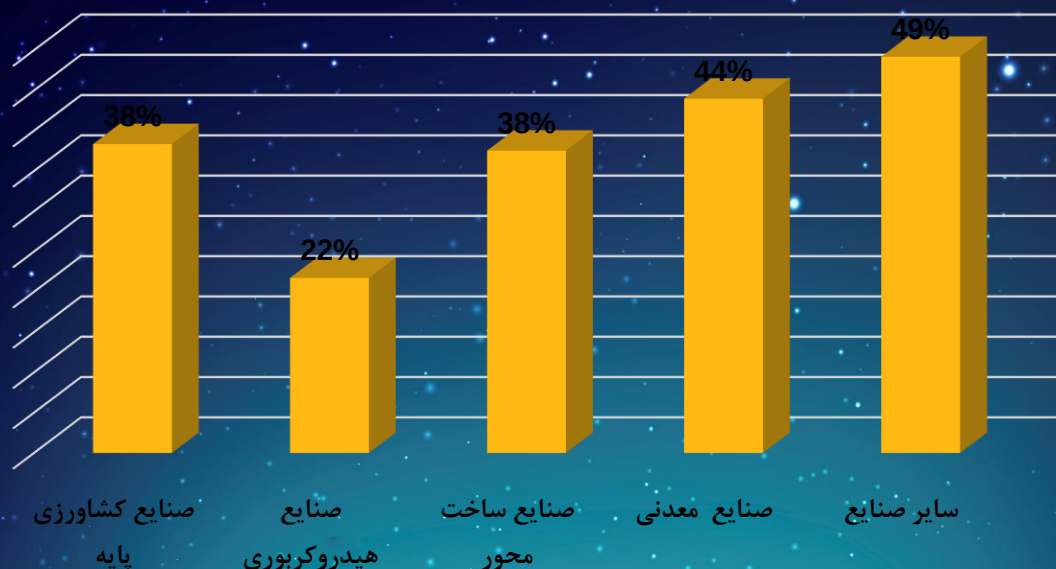


اشتغال‌زایی صنایع در سال ۱۳۹۸ (تعداد اشتغال به ازای هزار میلیارد ریال تولید)



۳- آثار و پیامدها

۳-۴- کاهش سهم صنایع ساخت محور از ارزش تولید و صادرات صنعتی کشور و محدود شدن تولید و صادرات کشور به صنایع با توان ارزش زایی پایین که چالش هایی نظیر تنوع پایین بازارهای صادراتی، آسیب پذیری بالا از تحریم ها و ... را به همراه دارد. در شکل ۶ توان ارزش آفرینی گروه های مختلف صنایع مقایسه شده است. لازم به ذکر است که این نکته باید در نظر گرفته شود که به واسطه یارانه اعطایی در بخش انرژی و خوراک، میزان ارزش زایی صنایع منبع محور و مصرف کننده انرژی بسیار بیشتر از توان واقعی آن ها برآورد شده است. برای نمونه توان ارزش زایی صنایع معدنی در حالی ۴۴ درصد است که این رقم برای صنایع ساخت محور ۳۸ درصد بوده، که متاثر از یارانه ها و تخفیف های اعطایی در بخش نهاده ها (انرژی و خوراک) صنایع منبع محور بوده است.



توان ارزش زایی صنایع در سال ۱۳۹۸





۳- آثار و پیامدها

۳-۵- چالش های ناشی از حبس یارانه و منافع مالی در حلقه های بالادست که مانعی بر توسعه و تکمیل زنجیره ارزش در پایین دست می شود. موضوعی که در سالیان گذشته و خصوصا در نوسانات اخیر نرخ ارز موجب چالش های اساسی در تنظیم بازار زنجیره تامین صنایع کشور شده است (تنها در سال ۱۳۹۷ بیش از ۱۰ مصوبه برای تنظیم بازار محصولات فولادی با انواع فرمول های قیمت گذاری ابلاغ شد).

۳-۶- وابسته شدن عملکرد صادرات کشور به محصولات پایه ای و اساسی و در نتیجه تاثیر پذیری عملکرد صادراتی و ارزش کشور از متغیرهای محیطی خود چالشی اساسی در مسیر تنظیم موازنه صادرات و واردات کشور است. به منظور ارائه تصویری از تاثیر متغیرهای محیطی بر صادرات مواد اولیه می توان به بررسی صادرات محصولات پتروشیمی و صادرات صنایع معدنی در سال ۱۳۹۹ پرداخت.



۴- علل و عوامل وضعیت فعلی اقتصاد ایران



فقدان جهت گیری کلان
در توسعه صنعتی



ناکارآمدی ابزار یارانه انرژی
در جهت توسعه صنعتی کشور



هزینه فرصت بالای سرمایه
گذاری در فعالیت های مولد

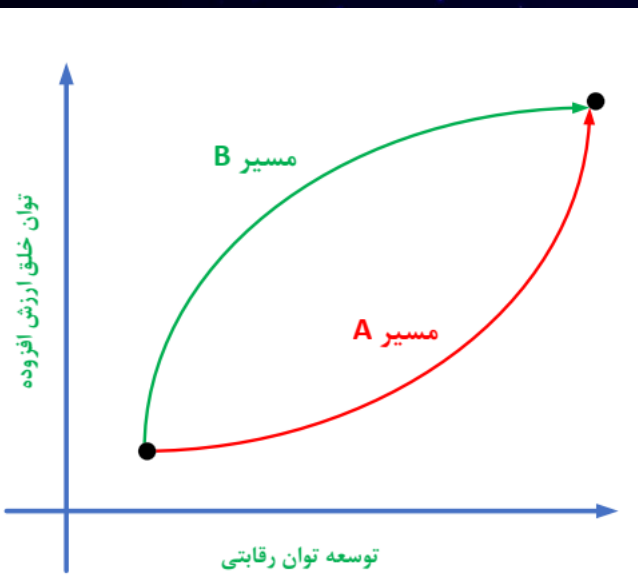


۵- دوراهی مسیر توسعه صنعتی

مسیر A: توسعه توان رقابتی مبتنی بر مزیت های نسبی بدون بهبود چشمگیر در درجات خلق ارزش افزوده

ویژگی ها:

- تکثر بنگاه های بهره مند بواسطه عدم هدفمندی حمایت و تسهیلات دولت (کاهش صرفه های مقیاس و تنوع)
- ابزارهای اندک حمایتی و عمدتاً مبتنی بر رانت در عوامل تولید نظیر انرژی، مواد اولیه و نیروی کار
- وابستگی بالای توان رقابتی بنگاه به مزیت ها و رانت های عوامل تولید و فقدان توان رقابتی ناشی از قابلیت های درون بنگاهی
- خطر افتادن در تله -توان رقابت پذیری- ناشی از رانت های عوامل تولید بدون توان ایجاد خلق ارزش افزوده -تبع آن وابستگی دائمی به حمایت های دولتی نظیر دیوار تعرفه ای، تخفیف هزینه های عوامل تولید و غیره
- زود بازده بودن سرمایه گذاری در این مسیر ناشی از رانت های دولتی در مقایسه با مسیر B و در نتیجه ارجحیت نفع شخصی سرمایه گذار به نفع ملی



مسیر B: توسعه توان رقابتی همزمان با توانایی خلق درجات بالای ارزش افزوده ناشی از ایجاد مزیت های رقابتی بواسطه سرمایه گذاری در ۳ عامل:

- ✓ قابلیت های درون بنگاهی
- ✓ توسعه و تکمیل زنجیره ارزش خصوصاً خدمات متصل به تولید
- ✓ بهبود درجات ارزش افزوده

ویژگی ها:

- تعداد کمتر بنگاه های بهره مندی از تسهیلات بواسطه هدفمندی طراحی حمایت ها مبتنی بر نتیجه و عملکرد
- ابزارهای متعدد حمایتی متناسب با درجات تکمیل حلقه های زنجیره ارزش، بهبود قابلیت های درون بنگاهی و غیره
- وابستگی توان رقابتی بنگاه بر قابلیت های درونی و فقدان وابستگی به مزیت ها و رانت های دولتی
- نیاز به هزینه بالای سرمایه گذاری و پذیرش ریسک های ناشی از دیربازده بودن سرمایه گذاری های بنگاه و در نتیجه اهمیت تشکیل کنسرسیوم و گروه کسب و کار برای طی این مسیر (لزوم سیاست گذاری دولت به منظور جذابیت حضور سرمایه گذاران در این مسیر در مقایسه با مسیر A)



۶- پیشنهادات

گزینش رشته فعالیت های
اولویت دار



تدوین بسته های هوشمند در
حمایت و تقویت مبتنی بر نتایج
کلید عملکرد (خروجی ها)



اصلاح ساختار بنگاهی صنایع و
تقویت ساختارهای دست جمعی



“ ”



آماده سازی صنایع کشور در
مقابل فراروندهای پیش رو نظیر
انقلاب صنعتی چهارم، ملاحظات
زیست محیطی و ...



ایجاد و توسعه مراکز تعالی
رشته فعالیتی به منظور جهت
دهی و هدایت بنگاه در طی
مسیر B



کاهش هزینه های مبادله و هزینه
فرصت های سرمایه گذاری در مسیر B
و کاهش رانت های مسیر A

